

المعجم فی معایر اشعار العجم تألیف شمس الدین محمد بن قیس رازی .
 این مؤلف عالی‌مقام و ادیب متبحر که در اوایل قرن هفتم هجری شاهکار نفیسی
 که در نوع خرد بی نظیر است بوجود آورده یکی از بهترین نویسندگان زبان فارسی
 و یکی از بلیغ‌ترین ادبای ایران است که در ادبیات دوزبان یعنی عربی و فارسی استاد
 و علامه بوده است . هیچ معلوم نیست این فضل گرامی کتب دیگری نوشته است یا نه
 ولی همین در گرانها مرغوبترین اثر ادبی از قرون گذشته برای ایرانیان و پارسی
 زبانان است . در اینجا نمی‌خواهیم قدر و قیمت و محاسن این کتاب را بشماریم زیرا فعلاً
 بحث ما روی دیباچه‌ها است .

شمس قیس مقدمه کتاب خود را دو قسمت نموده قسمت اول را بدون ذکر و عنوان
 و تخصیص نام و تعبیری به حمد و ثنای پروردگار و نعمت رسول اکرم و اهل بیت اطهار
 به يك صفحه اختصار نموده چنین گوید :-

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله المنعوت بنعوت الجلال الموصوف بصفات الكمال المنزه عن الغیر
 والزوال المتعال عن الاشياء و الامثال والصلوات والسلام علی خیر خلقه محمد منقذ
 الخلق من الضلال و شفع الامه يوم عرض الاعمال و علی آله و اصحابه اکرم صحب و
 خیر آل . سپاس و ستایش مرخدای را جل جلاله و عم نواله که ارواح ما را زینت تعلیم
 و تعلم بیاراست و اشباح ما را بطیبت احسن تقویم بیاراست عقل راهنمای را قاید خیر و راید
 سعادت ما گردانید و نطق دلگشای را ترجمان خاطر و سفیر ضمیر ما ساخت و چندین
 هزار جواهر زواهر معنی در درج طبع ما درج کرد و انوار و ازهار علم و معرفت بر
 نهال دل ما بشکفانید و درود و صلوات بی پایان و تحیات زاکیات فراوان بر ذات مطهر
 و روان مقدس خلاصه موجودات و برگزیده مکونات رسول نقاین و خواجه کونین
 خاتم انبیا شفیع روز جزا محمد مصطفی باد که مستعدان قبول دعوت را از غرقاب
 گمراهی و غوایت بساحل نجات و هدایت آورده و مستعدان حصول معرفت را از تیه حیرت
 و بیدای جهالت به مرتع عرفان و مامن ایمان اوداه نمود و بعد از او بر آل و اهل بیت
 او یاد که نثار منصب نبوت و حق المنشور ولایت رسالت او بنص قرآن مجید جز
 اخلاص محبت و امحاض مودت ایشان نتواند بود که قل لا أسألکم علیه اجراً

الا المودة في القربى ومن يقترف حسنة نزد فيها حسناً جعلنا الله من المتمسكين بهذه العروة الوثقى ورزقنا خيراً الاخرة والاولى انه قريب مجيب . شمس قیس قسمت دوم را دیباجه دانسته بدین نحو شروع میکند

دیباجه کتاب

و بعد چنین گوید محرر این تالیف و محبر این تصنیف بنده دولتخواه محمد بن قیس تاب الله علیه که در شهر سنه اربع عشر و ستمائه که هنوز احوال ممالک خوارزم و خراسان در سلك اطراد منتظم بود و امور جمهور آن اقلیم بر وفق مراد ملتئم اطراف و اکناف آن ولایات در غایت خصب و آبادانی و سعادت امن و استقامت شامل احوال اقاصی و ادانی رباع فضل و هنر بفرغ خاطر فضلاء آن دیار و بلاد مأهول و معمور و اعلام علم و ادب (بیضاع) قدر علماء آن دیار مرتفع و منشور دوستی از جمله حمله علم و برادری از زمره ارباب فضل که در عیون علوم و فنون آداب از اکفا و اقران قصب السبق برده بود و در حل مشکلات معارف نقلی و کشف معضلات مطالب عقلی بر امثال و اضراب مزیت تقدم یافته و میخواست تا بر معایر اشعار عرب و عجم که بیشتر اهل تمیز از حلیت معرفت آن عاطل باشند واقف شود و بر نقد نیک و به کلام منظوم که اغلب ارباب فضل در اصابت تمیز آن قاصر باشند قادر گردد از من در شهر مرو وجد الله عمر انها که مجمع اصحاب طبع و مربع ارباب نظم و نثر بود در این فن التماس مؤامره می کرد تا غور معرفت من در شرح غوامض آن بشناسد و اقتراح تصنیعی نمود تا اندازه شأو من در مضامین نغصی از مضامین آن بدانند و من چون از فحوای کلام او بوی امتحانی شنیدم و از مذاق سخن او طعم اختیاری یافت اسعاف ملتئم او را رحمة الله لازم شمردم و اجابت دعوتش فریضه دانست - الا آخر

در اینجا مؤلف سبب و محرك و چگونه تالیف کتاب را شرح داده است که بر حسب خواهش یکی از دوستان بوده و او بزبان عربی نوشته و هنوز قسمتی از آن پایان نیافته است

رائدج، بنده و خواهنده . درج، جعبه و طبله که زنان جواهر و پیرایه خود را در آن نهند. غوایت: گمراه گشتن: نثار آنچه در عروسی ها بر حاضرین بیاشند و امروز عوام بقلط شایاش گویند: تبه. بیابان